

چه لباسی برای چه رنگ پوستی؟

مریم ملی | روزنامه نگار

رنگ‌ها موهبتی هستند که اگر درست از آن‌ها استفاده کنیم، می‌توانیم همیشه شیک و مرتب به نظر برسیم اما خبر استش را بخواهید خیلی‌ها دقیق نمی‌دانند باید چه رنگ‌هایی را با هم ست کنند یا مثلاً چه رنگی با کدام پوست‌ها بیشتر همخوانی دارد. برای همین اغلب ظاهرشان نامناسب و شلخته دیده می‌شود و به رغم این که لباس‌های درست و درمانی دارند، هیچ‌وقت به عنوان یک فرد خوش‌پوش در ذهن آدم نمی‌مانند. پیشنهاد خبره‌های عرصه طراحی لباس برای کسانی که رنگ پوست روشنی دارند استفاده از رنگ‌های تناز پاییزی و تیره است. به خاطر داشته باشید رنگ‌های خیلی روشن شما را بی‌روح و خسته نشان می‌دهد. آن‌هایی که پوست تیره‌تری دارند بهتر است از رنگ‌های بهاری و ملایم استفاده کنند. پوشیدن لباس‌هایی که با رنگ پوست تیره در تضاد است، باعث می‌شود چهره‌تان از یکنواختی خارج شود و سرزنده و جذاب به نظر برسد. برای پوست‌های گندمی بهترین رنگ‌ها مشکی، صورتی، زرشکی، یز، سرمه‌ای و لاجوردی است. همه این توصیه‌ها برای داشتن احساس بهتر و رضایت شما از خودتان است اما حواس‌تان باشد که همیشه به علایق خود اهمیت دهید اگر رنگی هست که واقعا دوستش دارید بدون توجه به هر چیزی آن را با اعتماد به نفس بپوشید.



رفقا سلام!
بین این همه خبر خوب و بد که هر روز به گوش می‌رسد، جا رو برای یه خبر هیجان‌انگیز باز کنید؛ «داستان اسباب‌بازی ۴»، آخرین سری از مجموعه محبوب و خاطره‌انگیز توی استوری که فکر می‌کردیم تو قسمت سوم دیگه کارش تمومه، به تازگی اکران شده. نه! اشتباه نیومدید. بله! این جا صفحه کودک نیست. چیه مگه؟ بزرگ‌ترها هم می‌تونن خبر اکران یه پویانمایی سر ذوق بیان و می‌تونن همیشه جدی و اخم‌الود نباشن و می‌تونن به چیزهای نه چندان مهم فکر کنن. منتظر نقد و نظر، قصه و طرح‌های شما هستیم.

شماره پیامک ۰۹۳۵۳۹۴۵۷۶
شماره تلگرام ۵۰۱۳۷۶۳۴۰۰۰
تلفن تحریریه

صفحه نوجوانان
روزهای فرد

گپی دوستانه درباره رفاقت و الزاماتش

رفیق‌روزهای خوب، رفیق خوب‌روزها*

مرجان ساعدی

«جاده رفاقت، دوطرفه است؛» این جمله کلیشه‌ای که خوراک درودیوار مغازه‌های قدیمی و شیشه جلوی تاکسی‌ها و دانشپور کامیون‌هاست، از قضا خیلی حرف درستی است. اصلاً همین رفت‌وگرشستی بودن همه چیز در رفاقت است که باعث می‌شود حل کردن چالش‌ها و بگومگوها به زحمت‌اش بیازد و گر نه که قهر می‌کردیم تا قیامت!

● دوست خوبی باش تا دوست خوب داشته باشی

زهرامعتقد است: «یک رابطه خوب به نظر من رابطه‌ای است که دوستت توقع نداشته باشد همه توجه تو مال او باشد. همین‌طور بهتر است در خیلی از مسائل هم نظر باشیم. با این همه اختلاف هم پیش می‌آید و یک‌بار من باید کوتاه بیایم، یک‌بار دوستم. البته الان که دارم بهش فکر می‌کنم شاید بشود بدون این که روی خواسته‌های خودمان پا بگذاریم، اختلافات‌مان را حل کنیم. برای من خیلی مهم است که دوستانم بی‌جا قضاوت‌م نکنند. آدم که همیشه خوشحال نیست. گاهی حوصله نداری ولی دیگران فکر می‌کنند رفتارت عمدی است و داری بی‌محلی می‌کنی. یک رفتار رو اعصاب دیگر، لاف‌زدن و خالی بستن است. آدم باید با دوستش روراست باشد. من هم البته توی رابطه دوستانه‌ام، اخلاق بد دارم. مثلاً همه دارند خیلی جدی بحث می‌کنند و من می‌زنم زیر خنده یا وقتی عصبانی می‌شوم، خیلی سرد برخورد می‌کنم. یک چیز را ولی نمی‌فهمم. دوست با کسی دعوا می‌کند، بعد توقع دارد تو هم با آن فرد، قهر کنی. من هیچ‌وقت چنین کاری برای دوست‌هایم نمی‌کنم و به نظر توقع بی‌جایی است. غیر از صداقت و یک‌رو بودن، رازداری هم برایم خیلی مهم است و می‌دانم وقتی دوست خوبی هستم که خودم هم این ویژگی‌ها را داشته باشم. رازداری البته یک استثنا هم دارد. اگر دوستم رازی را به من بگوید و بدانم که در معرض خطر است، به‌نظرم اجازه دارم رازش را با خانواده‌اش در میان بگذارم.»



● رازداری هم حدی داره!

مهديه اما می‌گوید: «من هم مثل زهرا، از قبی‌آمدن خیلی حرص می‌گیرد. بعضی‌ها برای این که خودشان را بهتر از چیزی که هستند، نشان دهند دروغ‌های شاخ‌دار می‌گویند. دست گذاشتن روی نقطه ضعف هم به‌نظم خیلی رفتار بدی است. بعضی‌ها توی بحث و دعوا، یک‌ه‌نقطه ضعف‌هایت را به رویت می‌آورند یا راز‌هایت را با صدای بلند و جلوی همه می‌گویند. من از این کار‌ها نمی‌کنم ولی رفتار رومخی دارم که همه‌اش از سروکول بچه‌ها بالا می‌روم و شیطنت می‌کنم. بعضی‌وقت‌ها هم نصیحت‌شان می‌کنم که اصلاً خوش‌شان نمی‌آید. درباره شباهت دوست‌ها با زهرا مخالفم. رفیق آدم، لازم نیست و اصلاً ممکن هم نیست که کاملاً در اخلاق و رفتار و تیپ‌ظاهر، شبیه‌خودش باشد. در عین اختلاف‌نظر با دیگران، می‌توانیم دوست‌های خوبی برای هم باشیم. خیلی اشتباه است که از دوستت توقع داشته باشی رفتارشان مطابق میل تو باشد یا در رابطه‌اش با دیگران دخالت کنی. درباره رازداری، من هم معتقدم رازی را که باعث خطر بشود، باید فاش کنیم. یک‌بار دوستم بهم گفته بود قصد خودکشی دارم و از من خواست بین خودمان باشد. من زنگ زدم و به مادرش گفتم. دوستم اول از دستم ناراحت شد. حتی قهر کرد ولی بعد که فهمید به خاطر خودش این کار را کرده‌ام، از تشکر کرد.» شما چطور فکر می‌کنید؟

● حالا که بخشی از ترانه محسن چاوشی را قرض گرفتیم، به یاد قدیم ترها آهنگ «رفیق خوب» را بشنویم:



از نظر روحی احتیاج دارم واسه یه بار هم شده خودا و اون بچه همسایه باشم که این قدر موفقیت‌هاش رو تو سر من نکوبن!



ایده و اجرا: محمد علی محمدپور، سعید مرادی

مینی مهارت

کاغذ کادو طراحی کنید

الهام حبشی | روزنامه نگار

یکی از موقعیت‌های شناخت آدم‌های باسلیقه، هنگام هدیه دادن است. آن‌ها افزون بر صرف فکر، زمان و هزینه برای هدیه خریدن، می‌دانند بسته‌بندی هدیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل مجبور می‌شوند برای خرید بسته‌بندی‌های گران‌قیمت‌مقوایی و پارچه‌ای، مبلغی را کنار بگذارند. در مینی مهارت امروز به شما فوت‌وفن ساختن یک بسته‌بندی شیک، خلاقانه و ساده را آموزش می‌دهیم تا غیر از صرفه جویی، سلیقه‌تان و عزیز بودن هدیه گیرنده را هم پررنگ‌تر نشان بدهد. برای درست کردن این بسته‌بندی کافی است سری به فروشگاه‌های لوازم خیاطی زنید. بره‌های گراف‌خیاطی که با عنوان کاغذ شارب هم شناخته می‌شوند افزون بر سادگی و عرض زیاد، به سهولت‌تای خورد و هر نوع هدیه‌ای را پوشش می‌دهند. این کاغذ‌ها را می‌توانید به صورت کیلویی و بسیار ارزان تهیه کنید و تا چند سال از بابت کاغذ کادو خیال‌تان راحت باشد. متناسب با هدیه‌ای که تهیه کرده‌اید، قبل یا بعد از کادوپیچ کردن، با روان‌نویس سیاه، خود کار یا مداد رنگی روی آن هار انقاشی کنید.



اگر خط خوشی دارید، با چند جمله صمیمی یا چند بیت زیبا کاغذ کادوی‌تان را از سادگی بیرون بیاورید. از کاموا، نوار چسب‌های رنگارنگ، اکلیل، روبان و هر چیز جیگلی دیگر غفلت نکنید البته حواس‌تان باشد خیلی هم شلوغ کاری نکنید.

آثار شما

گذر از شاهنامه

مهديه سادات علوی | ۱۷ ساله

گذر از شاهنامه، درس بهتر زندگی کردن را بر ابرام تداعی کرده؛ از پستی و بلندی‌های زندگی رستم گرفته تا دل‌آوری‌ها و رشادت‌های گردآفرید. چه اشک‌ها که نریختیم بر سر فراق رستم و سهراب و چه حسرت‌ها که نخوردیم در پی مرگ سهراب به دست پدر. کیست که طعم اضطراب و ترس را به عینه در هفت‌خوان رستم نجشیده باشد و کمال صداقت و آزادگی را در روح این آزادمر دندیده باشد؟ کیست که از بی‌گناهی سپاس‌خبر نداشته باشد و در عین حال چاره‌ای نیز در گذر او از آتش نبیند؟ چه نفرت‌ها که از ضحاک در جان‌مان شگفت و چه حمایت‌هایی که از کادو داده‌گر در وجودمان تکان نخورد! اما چه باید کرد که شاهنامه نیز باید روزی به پایان رسد و رستم نیز چون هر خلق آفریده‌شده‌ای باید دست‌و‌داع بازمین‌را بالا ببرد و چه در دیرگی ست به قول ماث‌کهر ستم، این‌نمادمر دانگی به دست‌نامردی بمیرد. فردوسی! به راستی که در ست‌نوشتی و در آن زمان جهل‌پرور چه کوشش‌ناکر دی! خداوند روح راقرین رضایت‌خود گرداند که زبان‌مرا حفظ کردی و شیرینی غزل‌های حافظ و سخن‌های آشکار سعدی را با تلاش ۳۰ ساله‌ات برایم به ارمان آوردی.

گوشت کوب خطرناک

یک مرد چینی که ۲۵ سال از ابزاری شبیه گوشت کوب برای شکستن گردو و فندق استفاده می‌کرد، به تازگی متوجه شده که گوشت کوبش در واقع یک نارنجک دستی است. زمانی که پلیس محلی در روستای «آن کانگ» استان شآنشی چین جزو‌های ایمنی را بین مردم توزیع کرد، این مرد به کمک همسایگان‌ش متوجه این موضوع شد. البته شباهت زیاد این وسیله به فندق شکن یا گوشت کوب می‌توانست هر کس دیگری را هم به اشتباه بیندازد. این نارنجک که از طرف یک دوست به این مرد هدیه داده شده، از نوع نارنجک‌های دستی پرتابی است که در اثر ضربه سرش منفجر می‌شود. پلیس هنوز نگفته که آیا این نارنجک دارای مواد منفجره است یا نه.

موبه جای دندان!

نهنگ‌آبی به جای دندان، در دهانش مودارد. این موجود غول‌پیکر با جثه‌ای که به راحتی ۱۰ نفر در دهانش جامی گیرد، از موجودی شبیه میگو به نام «کریل» در اقیانوس‌ها تغذیه می‌کند. البته حجم کریل‌ها، اندازه آن‌ها را جبران می‌کند چون نهنگ آبی در روز بین ۴ تا ۶ تن کریل نوش‌جان می‌کند. نهنگ‌آبی هر چه را وارد دهانش می‌شود، ابتدا از طریق همین دندان‌های عجیب‌جذب می‌کند. دندان‌های مویی، عملکردی شبیه صافی از خود نشان می‌دهند؛ کریل‌ها به آن می‌چسبند و آب عبور می‌کند. جنس دندان‌های نهنگ‌آبی از ماده‌ای به اسم کراتین (ناخن و موی انسان هم از همین ماده تشکیل شده) است.



منابع: روزیاتو، باز ده

آیا زمان واقعا گاهی تند و گاهی کند می‌گذرد؟

مریم ملی | روزنامه نگار

جشن‌ها و قرار‌های دوستانه و مسافرت‌ها و محبوب‌ترین ساعت کلاس در مدرسه همیشه طوری می‌گذرند که آدم باورش نمی‌شود. در عوض معاشرت با آدم‌های بی‌مزه و نجسب، زنگ ریاضی (شما اگر ریاضی دوست داری جزو اقلیت‌ها هستی، با شما نیستیم!) و جلسه‌های فامیلی‌انگار تا ابد طول می‌کشند. این خاصیت عجیب زمان است که وقتی همه چیز بر وفق مراد باشد به طرفه‌العینی می‌گذرد و وقتی همه چیز عذاب‌مان می‌دهد، کش می‌آید. سوال این جاست که این یک تلقین است یا واقعا زمان، تأثیری این چنین بر ما دارد؟ واقعیت این است که غیر از لحظات خوشی و ناخوشی که نحوه گذشت زمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سن و میزان تجربه آدم‌ها در تأثیر گذشت زمان بر آن‌ها نقش دارد. برای افرادی که سن بیشتری دارند، امکان تجربه‌های جدید در محیط‌های مختلف کمتر است و فرصت زیادی برای پردازش اطلاعات محیط لازم نیست. به نظر آن‌ها همه چیز یکنواخت و تکراری است و سریع می‌گذرد در حالی که برای کودکان و افراد کم‌سن‌وسال هنوز چیز‌های خیلی زیادی وجود دارد که تجربه نشده است و زمان دیر‌تر و با هیجان



بیشتری می‌گذرد. این‌ها تأثیراتی است که ذهن و روان ما از زمان برداشت می‌کند. اگر دقت کنید می‌بینید که وقتی در حال انجام یک کار یا گذراندن یک دوره خاص و جدید هستید، ساعت کندتر می‌گذرد. تحقیقات دانشمندان می‌گوید وقتی انتظار می‌کشید نوعی کم‌طاقتی در روحیه انسان شکل می‌گیرد که باعث می‌شود گذشت زمان کند و اعصاب خردکن باشد اما وقتی ترس و اضطراب دارید شرایط روانی طوری تغییر می‌کند که به نظر‌تان هر یک ساعت شبیه یک دقیقه می‌گذرد. با دانستن این ماجرا که نحوه گذشت زمان بستگی به حال روحی و شرایط ما دارد، می‌توانیم تاحدودی وضعیت را مدیریت کنیم و نگذاریم این عرقه‌های نامرئو بیش از این در حق‌مان جفا کنند.



منابع: بیگ‌بنگ، دیجیاتو، Livescience.com